



یادداشت

چرا وابستگان به قدرت بعد از عزل و طرد (دمکرات) می شوند؟

صادق کار



حسن روحانی از مسئولین ارشد رژیم اسلامی در نامه‌ای خطاب به شورای نگهبان خواستار روشن کردن علت رد صلاحیت کاندیداتوری خود برای شرکت در انتخابات مجلس خبرگان شده است. روحانی در "قسمتی از نامه خود می نویسد

من از نقض حقوق سیاسی شهروندانی سخن می‌گویم که در محکمه‌هایی بدون حضور هیأت منصفه، وکیل و حتی متهم با گزارش چند مأمور امنیتی توسط فقهای شورای نگهبان به سلب حقوق شهروندی محکوم می‌شوند. مأمورانی که پرونده‌سازی‌های آنان آمیزه‌ای از تحلیل‌های جناحی و شنوهای تقطیع شده و عمدتاً غیرقانونی است و گزارش‌های آنان به نامه‌هایی مبهم و کلی با اغراض آشکار بدل می‌شود.

هیچکدام از این حرفها ناروا نیست. کسی هم گمان نمی‌کنم به غیر از وابستگان به قدرت ایرادی به این حرفها داشته باشد. ایرادات روحانی اما مختص امروز نیست، این روالی است چند ده ساله که در زمان ۸ ساله ریاست جمهوری هم ادامه داشته و تنها در جنبش ۹۶ و ۹۸ بیش از ۱۵۰۰ نفر به قتل رسیدند، اما چرا روحانی زمانی که در قدرت بود و این سیاستها دنبال و علیه غیر خودی‌ها اعمال می‌شد از این حرفها نمی‌زد؟

به دنبال تصمیم راس هرم قدرت برای یک دست کردن حکومت، عده زیادی از روسای سابق نهادهای حکومتی که ده‌ها سال در حکومت مصدر امور سیاسی و اجرایی مهم بودند، از رژیم به اشکال مختلف کنار گذاشته شده و تصفیه شده‌اند.

از نمایندگان پیشین مجلس و مجلس خبرگان، تا روسای جمهور و رئیس اسبق مجلس در میان رانده شدگان دیده می‌شوند. هیچکس کمتری شکی نسبت به سرسپردگی طردشدگان از قدرت و کسانی مانند روحانی و علی لاریجانی و خدماتی که به رژیم کرده‌اند ندارد. روحانی از اول غصب قدرت توسط دارودسته خمینی تا روزی که با رد صلاحیت شدن اش از قدرت رانده شد، همواره مسئولیت‌های درجه اول و کلیدی در رژیم داشته است. از نمایندگی مجلس و ریاست شورای امنیت ملی تا دو دوره نشستن بر صندلی ریاست جمهوری و نمایندگی خبرگان رهبری. با این همه او هم به رغم همه ی خدماتی که به



رژیم کرد و جنایات و مردم فریبی هایی که علیه مردم در زمان قدرت اش انجام داد تحمل نشد. خدمات علی لاریجانی رئیس چند دوره مجلس به رژیم و خیانت هایی که به مردم کرد نیز کمتر از روحانی و احمدی نژاد نبود، با این همه یکی پس از دیگری از رژیم کنار گذاشته شدند و پس از آن همگی کم و بیش ظاهرا تبدیل به منتقدین رژیم شدند. موسوی و رفسنجانی را نیز هر یک به طریقی بعد از حذف منتظری، از دایره قدرت کنار زدند.

کاندیداتوری روحانی برای ریاست جمهوری بعد از سرکوب جنبش ۸۸ و حصر موسوی، رهنورد و کروبی در واقع نتیجه معامله خامنه ای با دارودسته رفسنجانی و روحانی نوعا خیانت به جنبش ۸۸ و سران جنبش بود. آنهایی که در این خیانت طرف خامنه ای بودند یکی بعد از دیگری بتدریج حذف شدند. رفسنجانی به شکل مشکوکی از میان برداشته شد و بعد از آن نوبت به کنار زدن رئیس مجلس و رئیس جمهور رسید. قبل از آن شمشخانی را هم کنار گذاشته بودند و ولس کردند برود به اموالی که غارت کرده بود و شرکت هایی که بنام فرزندانش ثبت کرده برسد. او هم پذیرفت که دنبال کارش برود و اعتراض نکند. لاریجانی هم به نق زدن های گاه به گاهی بسنده کرد، اما روحانی ظاهرا با وجود بستن اتهامات سنگین به او، پس از مدتی شکوه از بی وفایی رهبر به خدمات خود، شروع به سین جین کردن شورای نگهبان که می داند به دستور "رهبر" صلاحیت اش را رد کرده و تظاهر به دمکرات مایی مشغول است. با این حال خودش با شناختی که از مناسبات قدرت دارد خوب می داند که شکایت اش نه تنها ره بجایی نمی برد، بلکه ممکن است برایش گران تمام شود. البته بریدن هر نیرویی از رژیم از این لحاظ که باعث ریزش در رژیم می شود مثبت است، اما میان آنانی که قبل از طرد شدن به قدرت پشت می کنند و با مردم علیه رژیم همصدا می شوند با کسانی که بعد از طرد شدن به صف منتقدین می پیوندند، تفاوت وجود دارد. روحانی و خیلی از طرد شدگان دیگر به رغم رانده شدن از قدرت همچنان برای بازگشت به میان صاحبان قدرت و تأیید صلاحیت شان تلاش می کنند و به تبع آن ادعای دمکرات شدن شان را کسی باور نمی کند.

مشکل روحانی و بقیه در این است که بدلیل سوابق خیانت بارخود و شراکت مستمر در سرکوب و اختناق که اینک گریبان خود آنان را هم گرفته است، حکم عناصر از مردم رانده و از حکومت مانده اند را دارند و کسی حاضر نیست در مقابل رژیم ولو در زمانی که در نقش منتقدان رژیم برآمد می کنند، از آنها دفاع کند. و این سرنوشت همه ی مهره های است که روزگاری نقش اساسی در تحکیم پایه های رژیم های دیکتاتوری و ستمگر داشته اند. نزدیکتر از رفسنجانی به خمینی و تا مدتی بعد از خمینی به خامنه ای کس دیگری وجود نداشت، با این وصف او را سر به نیست کردند بدون اینکه در جامعه کسی غیر از بعضی نزدیکان او اعتراضی انجام دهد. همانطور که از میان برداشتن معماران رژیم دیکتاتوری رضا شاه امثال تیمورتاش و داور و بقیه عکس العملی در جامعه بوجود نیامد.

روحانی در دوران ریاست جمهوری اش به هیچ یک از وعده های انتخاباتی اش که به مردم داده بود وفادار نماند و خلاف وعده های خود عمل کرد. در زمان ریاست جمهوری او دو جنبش ۹۶ و ۹۸ به خاک و خون کشیده شد و او نه تنها دم بر نیامد بلکه در سرکوبها مشارکت و از آن دفاع کرد. ممکن است بگویند از ترس برکناری قادر به اعتراض نبود، که این هم عذر بدتر از گناه است. در همه ی ۴۵ سال گذشته تنها چهار شخصیت صاحب قدرت در رژیم از قدرت گذشتند ولی تن به ذلت ندادند. بنی صدر، منتظری، موسوی و کروبی. بهمین جهت به رغم سوابقی که همگی در رژیم داشتند بواسطه مقاومتی که در بزنگاه های تاریخی از خود نشان دادند، نگاه مردم نسبت به آنها متفاوت با نگاهی است که نسبت به روحانی و بقیه دارند. واقعیت و همچنین تجربیات تاریخی رژیم های دیکتاتوری نشان می دهند که هیچ کس در هیچ موقعیت و منسبی در هیچ نوع نظام دیکتاتوری برای همیشه از مجازات در امان نیست. آنهایی که هنوز از رژیم فقاقتی به هر دلیل حمایت می کنند، بلکه از سرنوشت رفسنجانی و روحانی ها درس بگیرند و قبل از اینکه به سرنوشت آنان دچار شوند حساب خود را از رژیمی که در لبه پرتگاه سقوط قرار گرفته جدا کنند و! بیش از این خود را شریک جنایات رژیم نکنند!



ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و متریقی آن حمایت می‌کنیم! برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران و مزد و حقوق بگیران!

گزارش تحقیق ویژه در باره کار کودک و تغییرات اقلیمی بخش چهارم
شعبه اصول و حقوق اساسی کار سازمان بین‌المللی کار، برنامه مشاغل سبز



تغییرات اقلیمی و کار کودک: مجاری تأثیرات کلیدی - ادامه 3.

3. بارآوری کشاورزی

بخش کشاورزی بیشترین سهم را از کار کودکان به خود اختصاص داده است. تخمین زده می‌شود که 112 میلیون کودک کار در بخش کشاورزی به کار اشتغال دارند. این رقم 70 درصد کل کودکان کار را تشکیل می‌دهد. بخش کشاورزی همچنین آسیب پذیرترین بخش اقتصاد در برابر تغییرات اقلیمی است. بنابراین، برای بررسی گسترده تر و عمیقتر تأثیرات متقابل بین کار کودک و تغییرات اقلیمی، بخش کشاورزی اهمیت ویژه ای دارد.

به طور کلی، تنش گرمایی بر گیاهان و جانوران، الگوهای بارندگی اصلاح شده، و همچنین رویدادهای (Phenology: شدید اقلیمی مانند خشکسالی، طوفان و سیل، تغییرات مستقیمی در پدیده شناسی دانش مطالعه رویدادهای چرخه زیستی جانوران و گیاهان دوره‌ای و چگونگی تأثیرپذیری آنها از تغییرات و عملکرد محصولات کشاورزی ایجاد می‌کنند. کاهش و (اقلیمی فصلی و میان‌سال در بازه چندین سال فرسایش خاک، کمبود آب، تغییر در شوری، بیابان‌زایی و سایر اثرات مرتبط با اقلیم بر زمین و شرایط



جغرافیایی، نیز مانع از بارآوری مطلوب در کشاورزی می شوند. حرکت مداوم آفات جاندار و بیجان گیاهی به مناطق مختلف جغرافیایی با آب و هوای گرم، غالباً موجب تأثیر بیشتری بر تولید محصولات کشاورزی در مناطق جدیدی می شود، که پیشتر با این آفات درگیر نبوده اند.

بیشترین شواهد تجربی ناظر بر تأثیرات تغییرات اقلیمی بر کار کودکان بر تغییرات بارندگی در مناطق کشاورزی دیم، که از زمره عوامل تعیین کننده کلیدی بارآوری کشاورزی است، و تغییرات ناشی از آنها در میزان حضور کودکان در بازار کار کودک و آثار این حضور در امر تحصیل تمرکز دارند.

در بیشتر نوشته های مربوطه، افزایش بارندگی باعث افزایش کار کودکان می شود، زیرا در این حالت بارآوری کشاورزی افزایش می یابد. برای مثال، بارندگی بیشتر از حد متوسط در ویتنام ارتباط مستقیمی با افزایش تعداد کودکانی که وارد کار کشاورزی می شوند، و نیز با تعداد کودکانی که به کار خانگی کشیده می شوند، داشته است. در تانزانیا نیز، افزایش بارندگی منجر به افزایش کار کودکان در سنین 6 تا 13 سال حدود پنج روز در سال شده، در حالی که کاهش بارندگی تأثیری در کاهش کار کودکان نداشته است. نکته مهم این است که به نظر می رسد اگر مزارع کوچک خانوادگی به بازار کار محلی دسترسی داشته باشند - تا به جای تکیه بر کودکان خانواده برای تأمین درآمد بیشتر، کارگران دستمزدی بزرگسال را استخدام کنند - در این صورت افزایش کار کودک محدودتر است. این یافته نشان می دهد که تأمین دسترسی بهتر به بازار کار و حمایت از همسان سازی کارگران موقت کشاورزی می تواند نیاز به کودکان را در کشاورزی کاهش دهد.

یک تحقیق بلندمدت و بزرگ در هند نیز نشان داد زمانی که بارندگی زیاد است، کودکان 5 تا 16 ساله مدرسه را ترک می کنند و وارد بازار کار می شوند. این تحقیق دوباره نشان داد "شوگ مثبت در تولید کار کودکان را افزایش و پیشرفت تحصیلی را کاهش می دهد"، زیرا کار کودکان در مزرعه ارزش بیشتری پیدا می کند و بنابراین تقاضا برای آن افزایش می یابد. نتیجه عددی این مطالعه طولانی مدت چنین بود: به ازای هر سال که بخش کشاورزی در معرض "شوگ مثبت بارندگی" بوده است، کودکان 11 تا 13 ساله بزرگسالان 0.2 سال از مدت اشتغال آنان به تحصیل کاسته شده است.

در مقابل این مشاهدات، این نیز دیده شده که در برخی اوقات در نتیجه کاهش بارآوری کشاورزی مرتبط با دوره های خشکسالی، کار کودکان در کشاورزی کاهش داشته است. برای مثال، در همان مطالعه انجام یافته در هند، دیده شد احتمال کار کودکان در کشاورزی در زمانهای خشکسالی 20 درصد کمتر است و در قیاس با سالهای با بارندگی بسیار، احتمال بیشتری دارد که به تحصیل رو آورند.

با این حال، مطالعات دیگر نشان می دهند که چنین کاهش در کار کودکان در بخش کشاورزی منجر به کاهش کلی کار کودکان مگر در کوتاه مدت نمی شود، بلکه قاعدتاً به جابجایی کار کودکان از کشاورزی به سایر بخش های اقتصاد غیرکشاورزی مانند معدن می شود. مثلاً در بورکینافاسو، بدتر شدن شرایط اقتصادی در بخش کشاورزی، با "هجوم طلا" همراه شد و خانواده ها را تشویق کرد تا به دنبال فرصت های درآمدی جدید باشند و منجر به کار کودکان در شرایط خطرناک در معادن طلا شد؛ فعالیتی که بخودی خود بسیار مخرب است. همچنین در نیال و پرو، با کاهش بارآوری کشاورزی، خانواده های بیشتری فرزندان خود را برای کار در واحدهای تولیدی مانند کوره های آجرپزی فرستاده اند.

تغییرات اقلیمی و تأثیر آن بر بارآوری کشاورزی همچنین منجر به تغییراتی در الگوهای کاربری زمین می شود که باز هم پیامدهای بالقوه مهمی برای کار کودکان دارد. در برخی زمینه ها، از آنجایی که کشاورزان انتخاب کاشت خود را با تغییر دما و الگوهای بارندگی تطبیق می دهند، کشت محصولات "کار کودک بر" مانند کاکائو، قهوه و پنبه به زمینها و مناطقی منتقل می شود که این محصولات پیشتر در آنها کشت نشده اند.



این تغییر می‌تواند خطرات بیشتری را برای کار کودکان در مکان‌های جدید ایجاد کند، به‌ویژه جاهایی که اقدامات نظارتی و سیاستهای ناظر بر کاهش کار کودک هماهنگ نبوده‌اند.

تغییرات در الگوهای کاربری زمین مرتبط با تغییرات اقلیمی احتمالاً رقابتهای جدیدی را نیز در نقاط مختلف دنیا موجب شود. احتمالاً کشورهای نیمکره شمالی طولانی شدن فصل "داشت" [در کشاورزی] را تجربه کنند و با افزایش گرمایش جهانی مناطقی که قبلاً برای مقاصد کشاورزی نامناسب بودند، حاصلخیزتر و مولدتر شوند و طرفهای جدیدی برای رقابت با اقتصادهای نوظهور، که به درآمدهای نقدی محصولات صادراتی متکی‌اند، به میدان آیند.

کمیت‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم! اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

واقعیت افزایش فقر را با جعل آمار نمی‌شود منکر شد

امید ع



دعوا بر سر آمار و ارقام مربوط به مسائل مهم و اساسی از زمان روی کار آمدن دولت رئیسی تشدید شده است. البته قبلاً نیز خیلی از آمارهایی که توسط اداره آمار داده می‌شد آمارهایی بودند که بنا به مصلحت و سیاست‌های دولتهای وقت دستکاری می‌شدند. اما از آنجا که انحصار آمار در مواردی از اختیار اداره رسمی آمار در آمده و نهادهایی هم پیدا شده‌اند که راساً آمار هم تهیه و منتشر می‌کنند جعل آمار را دشوارتر کرده است. از آنجا که آمارهای برخی از این نهادها با آمارهای اداره آمار و وزارت کار در پاره‌ای مسائل تفاوت فاحش دارند باعث بروز اختلافاتی بین نهادهای دهنده آمار شده و کار اختلافات گاهی به رسانه‌ها کشیده می‌شود. در همین ارتباط روز گذشته تکذیب‌های از طرف وزارت تعاون، کار و رفاه نسبت به آمارهای که از افزایش خط فقر به نقل از مرکز پژوهش‌های مجلس در روزنامه دنیای اقتصاد منتشر شد باید اشاره کرد. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس که اخیراً منتشر شده است، ۵۰ درصد به جمعیت زیر خط فقر افزوده شده. انتشار این گزارش موجب آنچنان آشفتگی خیال مسولین وزارت کار که خود را یگانه متولی و منبع آمار فقر می‌دانند گردیده که مجبور شده‌اند آمار مرکز پژوهش‌های مجلس را رد و بر صحت آمار خودشان تاکید کنند. در بخشی از جوابیه وزارت کار گفته می‌شود:



بازرسی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی براساس داده‌های پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان نشان می‌دهد که جمعیت زیر خط فقر در سال ۱۴۰۱ بسیار کمتر از آنچه در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمده، است. همچنین خط فقر برآوردی برای خانوار سه‌نفره آن مرکز برای سال ۱۴۰۲ نیز تفاوت فاحشی با محاسبات این وزارتخانه دارد. بنابراین از آنجایی که نحوه تخمین نرخ و خط فقر سال ۱۴۰۲ در این گزارش شفاف توضیح داده نشده و از سوی دیگر نتایج این مرکز با آنچه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان متولی اصلی محاسبه این شاخص به دست آورده فاصله قابل‌توجهی دارد، بنابراین نتایج ارائه‌شده قابل‌اتکا نیست.

در جوابیه همانطور که ملاحظه می‌کنید اثری از آمار و ارقامی که این ادعا را تأیید و آمار مرکز پژوهش‌ها را بشود با آن سنجید دیده نمی‌شود، این نشان می‌دهد که خود اینها یا هیچ آماری برای ارائه شدن ندارند. و یا اگر دارند به مصلحت خود نمی‌بیند تا آن را بازگو کنند.

البته آمارهای ارائه شده از طرف وزارت کار همواره خصوصاً از زمان وزارت صولت مرتضوی غیر قابل اعتماد ترین آمارهای منتشر شده بوده و بارها آمارهای این وزارتخانه از طرف اشخاص حقیقی و حقوقی بخاطر نادرست بودن شان مورد نقد قرار گرفته است. بهمین خاطر اعتبار این آمارها از بین رفته و کمتر کسی به غیر از وزیر کار و مدیران دولتی که خود جاعل این آمارها هستند، کس دیگری به آنها رجوع نمی‌کند. در اینکه آمار جمعیت زیر خط فقر به شدت افزایش پیدا کرده و اگر از آمار ۵۰ درصد مرکز پژوهش‌های مجلس بیشتر نباشد کمتر نیست، تردید وجود ندارد. آمارهای دیگری نیز که طی ماه‌های اخیر در مورد افزایش شدید جمعیت زیر خط فقر منتشر شده نیز با آمار مرکز پژوهش‌های مجلس انطباق نزدیکتری دارند. البته انتشار این جور آمارها به خاطر وجود قطب بندی‌هایی است که بین دارودسته قالیباف و دولت جریان دارد. وجود همین اختلافات موجب انتشار آمارهایی می‌شود که به واقعیت نزدیکتر هستند و مقصود از انتشار آنها بر ملا کردن و زدن ریشه آمارهای خلاف واقع‌ای است که توسط مدیران دولتی ساخته و پرداخته می‌شود و رئیسی هر از چند گاهی در سخنرانی‌های تبلیغاتی خود با استناد به آمارهایی که خود بهتر از هرکس می‌داند خلاف واقع هستند، مدعی پیشرفت دولت در همه زمینه‌ها می‌شود. برای دولتی که مهمترین وعده انتخاباتی‌اش برقراری عدالت و مبارزه با فقر بوده است، با همه‌ی بی‌غیرتی‌اش خیلی سنگین است که بپذیرد، طی نزدیک به سه سال ۸ میلیون به تعداد فقرا و جمعیت خط فقر افزوده است. بنا بر این مجبور است آمار خلاف واقع جعل کند و با هر کس و نهادی که آمار واقعی‌تر از مسائل ارائه دهد مخالفت کند و آمار غیر را تکذیب کند. مجلس و قالیباف نیز خود به هیچ وجه در افزایش فقر بی‌تقصیر نیستند و خود با تصویب قوانین فقر آور در افزایش پرشتاب جمعیت زیر خط فقر نقش داشته و دارند و نمی‌توانند نقش خود را انکار کنند. البته چهره فقر روز افزون را می‌شود در هر کوی و برزن دید و رژیم با آمارهای دروغ نمی‌تواند این واقعیت تلخ را که نتیجه سیاست‌ها و عملکرد او است کتمان کند.

مبارزه برای آزادی معلمان، کارگران و زندانیان سیاسی را گسترده و سراسری کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!



قربانیان عوارض کار در هیچ آماری ثبت نمی‌شوند



کارشناسان محیط کار بر این عقیده هستند که در برابر هر یک نفر قربانی حوادث کار، ده کارگر بر اثر عوارض کار دچار ضایعه جسمی می‌شوند و بخش عمده این افراد پس از سالها زندگی توأم با مشکلات جانکاه جسمی در نهایت جانشان را از دست می‌دهند. در میهن ما این قربانیان در هیچ آماری گنجانده نمی‌شوند و پیگیریهای قضائی پاره‌ای از این افراد نیز به بهانه بیماریهای زمینه‌ای به سرانجام نمی‌رسد

بیماریهای ریوی از شایع ترین ضایعات محیط کار است که سالانه هزاران نفر را بکام مرگ می‌کشد و کمترین توجه را به خودش جلب می‌کند. جهت آشکار نمودن ابعاد این موضوع اشاره‌ای به گزارش کمیسیون بهداشت و سلامت پارلمان اروپا می‌کنیم

این کمیسیون در سال ۲۰۱۵ طی گزارشی اعلام نمود علی‌رغم اینکه از چهل سال قبل استفاده از آژبست جهت مصارف صنعتی و ساختمانی در کشورهای عضو بازار مشترک اروپا ممنوع شده است سالانه بیش از سی هزار نفر بر اثر کار با آژبست طی سالهای گذشته، جانشان را از دست می‌دهند

در سال گذشته بیش از دو هزار کارگر بر اثر حوادث ناشی از کار جان باختند

خبرگزاری هرانا - رئیس گروه بررسی صحنه جرم سازمان پزشکی قانونی کشور اعلام کرد که در سال گذشته، ۲۱۱۵ کارگر در حوادث ناشی از فقدان ایمنی کار جان باختند و ۲۷ هزار کارگر نیز مصدوم شدند

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از ایلنا، رئیس گروه بررسی صحنه جرم سازمان پزشکی قانونی کشور اعلام کرد که در سال گذشته ۲۱۱۵ کارگر در حوادث ناشی از عدم رعایت ایمنی در محیط های کاری، جان خود را از دست داده اند

علی ضیایی همچنین اظهار داشت که طی یکسال اخیر بیش از ۲۷ هزار کارگر نیز مصدوم شده‌اند

وی افزود که سقوط از بلندی، بیشترین سهم را در آمار تلفات حوادث کار دارد، به طوری که ۹۸۳ کارگر از این طریق جان خود را از دست داده‌اند. به گفته او این آمار ۴۶،۵ درصد کل تلفات کارگری در سال گذشته را شامل می‌شود



اخیرا معاون روابط کار وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تعداد فوتی‌های حوادث ناشی از کار در دو سال اخیر را «۶۸۰ کارگر» اعلام کرد، آماری که با تعداد گفته شده توسط سازمان پزشکی قانونی تناقض دارد. معاون وزیر تعاون مدعی شده بود که آمار حوادث ناشی از کار نسبت به دو سال قبل «۹.۷ درصد کاهش» یافته است.

این تناقض در آمارها سؤالاتی را درباره صحت و دقت داده‌های ارائه شده از سوی مقامات رسمی بر می‌انگیزد و نگرانی‌هایی را در خصوص شفافیت و پاسخگویی در مدیریت امنیت شغلی و حفاظت از کارگران به وجود می‌آورد. امری که ضرورت بررسی بیشتر و اتخاذ تدابیر فوری برای بهبود شرایط ایمنی کارگران را نشان می‌دهد.

گفتنی است، مرکز آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، طی بررسی گزارش‌های کارگری منتشر شده در بازه زمانی ۱۲ ماهه (۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ تا ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳)، کشته و مصدوم شدن دست‌کم ۹۸۷۹ کارگر در این مدت در پی حوادث کار را مخابره کرد. برای مطالعه این گزارش که به بررسی آماری وضعیت کارگران در یک سال اخیر ۱۴۰۳-۱۴۰۲ می‌پردازد، بر روی این لینک کلیک کنید

ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان رتبه ۱۰۲ را به خود اختصاص داده که رتبه بسیار پایینی است.

فقدان ایمنی کار به مرگ و مصدومیت سه کارگر انجامید

خبرگزاری هرانا - در سایه فقدان ایمنی محیط و شرایط نامناسب کار، سه کارگر در تهران و رفسنجان دچار حادثه شدند. طی این حوادث، دو کارگر جان خود را از دست دادند و یک کارگر مصدوم شد.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از ایلنا، یک کارگر راه آهن در تهران حین انجام کار جان خود را از دست داد.

بر اساس این گزارش، جلال شمس، کارگر نگهبان راه آهن تهران شاغل در واحد حراست راه آهن درب اداری ساختمان بعثت حین انجام کار به دلایل نامشخصی بر اثر ایست قلبی جان خود را از دست داد.

در این گزارش به نقل از همکاران کارگر فوت شده آمده است، وضعیت شغلی کارگران واحد حراست خوب نیست و فشارهای عصبی و روحی آنها حین انجام کار زیاد است.

مرگ و مصدومیت دو کارگر در رفسنجان

به گزارش ایلنا، روز سه شنبه بیست و پنجم اردیبهشت ماه، در حوادث کاری جداگانه دو کارگر حین انجام کار در شهر رفسنجان دچار حادثه شدند.

بر اساس این گزارش، یک کارگر تاسیساتی حین نصب و سرویس کولر بر اثر برق گرفتگی دچار حادثه شد و جان خود را از دست داد.

در حادثه دیگر، یک کارگر راه سازی حین انجام کار در محور جاده‌ای داوران به رفسنجان بر اثر تصادف با یک خودرو به شدت مصدوم شد.



در این گزارش آمده است، کارگر مصدوم هم اکنون در یکی از بیمارستان های شهر رفسنجان تحت درمان است.
ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان رتبه ۱۰۲ را به خود اختصاص داده که رتبه بسیار پایینی است.

نبود ایمنی کار به مرگ و مصدومیت شش کارگر انجامید

خبرگزاری هرانا - در سایه فقدان ایمنی محیط و شرایط نامناسب کار، شش کارگر از جمله دو پاکبان در شهرهای تبریز، اسدآباد، مشهد و اصفهان دچار حادثه شدند. طی این حوادث، سه کارگر جان خود را از دست دادند و سه تن دیگر مصدوم شدند.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از ایلنا، دو پاکبان در تبریز حین کار دچار حادثه شدند.

هویت آنها "مصطفی حاجی پور و مهدی رزمی" گزارش شده است.

بر اساس این گزارش، صبح امروز شنبه بیست و دوم اردیبهشت ماه، این دو پاکبان بعد از جمع‌آوری پسماند مشغول انتقال آنها از اتوبان بودند که بر اثر حادثه برخورد با یک خودرو سواری دچار مصدومیت شده و به بیمارستان انتقال داده شدند.

مرگ یک کارگر در اسدآباد

به گزارش ایلنا، شامگاه گذشته یک راننده تراکتور در یکی از روستای شهرستان اسدآباد واقع در همدان، حین شخم زدن زمین‌های شیب‌دار به داخل دره سقوط کرد.

این کارگر در اثر شدت جراحات وارده جان خود را از دست داد.

مرگ دو کارگر در مشهد

به گزارش ایلنا، معاون عملیات سازمان آتش‌نشانی مشهد اعلام کرد: "روز پنجشنبه بیستم اردیبهشت ماه، بدنبال بارندگی‌های اخیر، دو کارگر که گفته می‌شود پدر و پسر بودند هنگام تخلیه آبگرفتگی آب‌انبار یک آشپزخانه با پمپ کفکش، به دلیل نقص ایمنی دستگاه دچار برق گرفتگی شده و هر دو جان خود را از دست دادند."

مصدومیت یک کارگر در اصفهان

به گزارش ایلنا، سخنگوی آتش‌نشانی اصفهان از مصدومیت یک کارگر حدوداً ۳۵ ساله خبر داد.

محمد شریعتی گفت: این کارگر شاغل در پروژه متروی اصفهان که در حال بتن‌ریزی در حوالی در خیابان آیت الله کاشانی اصفهان بود، بر اثر سقوط از ارتفاع دچار مصدومیت شد.



افزایش دستمزد و حق مسکن منتفی شد!

توفیق و



صورت مرتضوی سه شنبه این هفته تجدید نظر در مصوبه دستمزدی سال ۱۴۰۳ که قرار بود در اردیبهشت با تشکیل شورای عالی کار مورد بازبینی قرار بگیرد را رد کرد و آب پاکی روی دست آنهایی که ادعا می کردند رئیس جمهور و "رهبر" گویا با تصمیم شورای عالی کار و "افزایش" دستمزدها کمتر از تورم مخالفند و توقع داشتند دولت دستمزدها را زیاد کند ریخت. معلوم شد که همه‌ی سرکردگان نهادهای اصلی رژیم از رهبر تا وزیر کار در سرکوب دستمزدهای کارگران اشتراک نظر دارند و اگر بعضا مانند خامنه‌ای "وضع کشور زمانی خوب می شود که وضع کارگر خوب باشد" تظاهر به مخالفت با سیاست سرکوب دستمزدی می کنند، برای فریب است.

وزیر کار رژیم به این هم اکتفا نکرد و افزایش حق مسکن را که وعده داده بود هم رد کرد و "افزایش حق مسکن را کاملاً منتفی دانست"

مثالی هست که می گوید سیلی نقد به از حلوای نسبه است" این ضرب المثل هر ساله هنگام مذاکرات مزدی برای توجیه دستمزدهایی که هر سال بیشتر از سال قبل به زیر خط فقر سقوط می کند با دادن وعده‌هایی در آینده بکار گرفته می شود، اما وقتی خرشان از پل گذشت، از انجام وعده‌های داده شده طفره می روند و با وقاحت منکر وعده‌هایشان می شوند.

پس از انتشار اظهارات وزیر کار رژیم یکی از اعضای شورای عالی کار که خود در توهم پراکنی نسبت به حکومت بین کارگران سابقه دارد به ایلنا گفت: "اعضای کارگری منتظر برگزاری مذاکرات مزدی هستند؛ قرار بوده در اردیبهشت یک نشست شورای عالی کار برگزار شود ولی وزارت کار در این زمینه اهمال کرده است."

این عضو کارگری شورای عالی کار تاکید دارد که مزد ۱۴۰۳ بدون رعایت قانون به تصویب رسیده و نرخ تورم و "سبد معیشت در آن لحاظ نشده است"



این آقا خود بهتر می داند "اهمال" در کار نیست بازی تکراری همه ساله است و هدف از آن آب ریختن روی آتش خشم کارگرانی بوده که از فشار معیشتی به مرز انفجار رسیده‌اند. این آقایان "نماینده" نیز در این بازی نقش و وظیفه‌ای را که حکومت به آنان واگذار نموده بازی می کنند. کما اینکه علیرضا محجوب دبیر کل تشکل حکومتی خانه کارگر نیز متعاقب جواب رد وزیر کار برای کاستن از خشم و اعتراض کارگران، ادعا کرد که رئیس جمهور با گرفتن حق تعیین دستمزد از شورای عالی کار مخالفت کرده است. ایلنا به نقل از وی "نوشت

به گزارش خبرنگار ایلنا، علیرضا محجوب (دبیرکل خانه کارگر) صبح امروز در جلسه مجازی با دبیران اجرایی خانه کارگر گفت: خوشبختانه با حرکت رئیس جمهور و فعالان کارگری، حرکت وزارت کار علیه سه جانبه گرایی و محول شدن آن به مجلس متوقف شد. ما از همان ابتدا مخالفت کردیم و گفتیم این موضوع عملی نیست و برخی مقامات دولتی نیز مواضع ما را قبول داشته و پیشنهاد وزیر کار را رد کردند.

وی افزود: ما امیدواریم که رابطه خوب ما با مسئولان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مانند همه دوره‌ها و "دولت‌ها حفظ شود و دلخوری پیش نیاید

نا گفته پیداست که غرض از طرح این موضوع تبرئه و انکار نقش دولت رئیسی در قضیه دستمزدهاست. سه جانبه گرایی که محجوب افتخار حفظ آن را به رئیسی داده است نظر به رفتار وزیر کار طی دو سال گذشته بود و نبودش برای کارگران فاقد اهمیت شده است. مگر نه این است که تصمیمات آن دو طرفه گرفته می شود و بقول رفقای محجوب در شورای عالی کار بود و نبود "نماینده کارگر" در تصمیمات آن هیچ نقشی ندارد؟

و مگر محجوب نمی بیند که بعد از مخالفت رئیسی با سلب اختیار از شورای عالی کار به رغم نقض بدون ابهام قانون کار توسط دولت و نماینده‌گان اتاق بازرگانی، وزیر کار از تصمیمات خود و اتاق بازرگانی دفاع می کند و رئیسی به وزیر کار اش دستور نمی دهد در تصمیمی که در غیاب نمایندگان به اصطلاح کارگر گرفته شده تجدید نظر کند؟

همانطور که محجوب خود اذعان و می گوید: "ما امیدواریم که رابطه خوب ما با مسئولان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مانند همه دوره‌ها و دولت‌ها حفظ شود" برای او و زیر مجموعه خانه کارگر حفظ روابط حسنه با رژیم برای تشکلهای حکومتی بر حفظ حقوق کارگر ارجحیت دارد. بهمین خاطر است که از زیر مجموعه خود می خواهد در عوض "امتياز حفظ سه جانبه گرایی" که رئیسی مرحمت کرده، فیتله بحث دستمزد را پایین بکشند، تا خدای ناکرده باعث تحریک کارگران نشود و کاری کنند که موجب شرمندگی این جماعت! نزد صاحبان قدرت و ثروت شود

درست همزمان با منتفی دانستن افزایش حق مسکن روزنامه دنیای اقتصاد گزارشی از اجاره مسکن در محلات جنوب شهر تهران منتشر کرد که نشان می دهد کرایه یک آپارتمان ۷۰ متری در این محلات برابر با کل حداقل دستمزد ماهانه کارگران و در مواردی هم بیشتر از آن است. با این حال وزیر کار ضد کارگر رژیم اسلامی حاضر نیست حتی حق مسکن ماهانه کارگران را افزایش دهد. این در حالی است که هنگام مذاکرات دستمزدی گفته حق مسکن کارگران را افزایش و برای کارگران خانه خواهند ساخت. از همه ی آن وعده‌ها آنچه نصیب کارگر شده، وعده تشکیل قرارگاه ساخت مسکن است که همه می دانند وعده‌ای توخالی بیش نیست

ز اعتراضات و مطالبات به حق بازنشستگان متحدانه حمایت کنیم!



تجمع بازنشستگان فرهنگی مقابل برنامه و بودجه
شماری از بازنشستگان فرهنگی در اعتراض به کمبود حقوق دریافتی خود اعتراض کردند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، امروز (۳۰ اردیبهشت) جمعی از بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۰ مقابل سازمان برنامه
و بودجه در تهران تجمع کردند.
اعتراض این بازنشستگان به عدم اجرای متناسب سازی نود درصدی و رتبه بندی ست؛ آنها خواستار صدور
احکام جدید با رعایت قانون و عدالت هستند.
این بازنشستگان معتقدند حقوق مزدی شان ضایع شده است و باید اعاده شود



ه گزارش خبرنگار ایلنا، یکشنبه (۳۰ اردیبهشت ماه) جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد در تهران، اصفهان
و مازندران مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد حضور یافتند و خواستار توجه به مطالبات و
....خواسته های خود شدند





اعتراض کارگران رسمی نفت فلات قاره
کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره، خواستار برآورده شدن مطالبات صنفی خود شدند.
شماره از کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره در تماس با خبرنگار ایلنا، نسبت به تغییر نکردن شرایط
شغلی خود علیرغم مطالبه‌گری اعتراض کردند
یکی از این کارگران گفت: ما (سی اردیبهشت) برای چندمین بار تجمع صنفی ترتیب دادیم؛ اعتراضات ما از
سال گذشته آغاز شده ولی تا امروز پاسخی از جانب مسئولان دریافت نکرده‌ایم
این کارگر، مطالبات خود و همکارانش را به این ترتیب بیان کرد: «حذف کامل سقف حقوق، اصلاح کف
حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات ۲ دهه، اجرای کامل ماده ۱۰
با وجود ظرفیت‌های قانونی و اختیاراتی مانند افزایش درصد گرید و اپریزال، پرداخت بک-پی ماده ۱۰ در اسرع
وقت، عدم تحریف اساسنامه صندوق بازنشستگی نفت، حذف تفکیک تبعیض‌آمیز مشاغل مناطق
«عملیاتی و ابلاغ هرچه سریعتر اپریزال‌ها



چهار کارگر راهدار سروستان به همراه دو راننده نیسان در سانحه برخورد با یک تریلی نفتکش در محور
جاده‌ای سروستان به شیراز کشته و زخمی شدند



تداوم اعتراضات هفتگی بازنشستگان در شهر شوش
"روسری را رها کن، فکری به حال ما کن"

تصاویر دیگری از تجمع امروز
تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی شوش در مقابل درب فرمانداری شوش، در اعتراض به شرایط
بد و نامساعد معیشتی، اعتراض به حقوق و دستمزد های ناچیز و نامناسب، به دزدی، فساد و غارت، به
تبعیض و نابرابری ها
نابود باد بندگی، زنده باد زندگی



یکشنبه ۳۰ اردیبهشت/۱۴۰۳



ادامه اعتراضات همکاران رسمی در نفت
تجمع اعتراضی همکاران رسمی و عملیاتی شرکت نفت فلات قاره لاوان
اهم مطالبات:
حذف نفوذی‌ها و مدیران نالایق
حذف سقف حقوق
اصلاح کف حقوق
حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی
اجرای کامل ماده ۱۰
پرداخت بک-پی ماده ۱۰
عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی
استرداد مازاد مالیات کسر شده
ابلاغ هرچه سریعتر ابرزالها
اصلاح روش اخذ مالیات در مناطق عملیاتی
شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران را می توانید در
آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>